

قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

دریافت: ۹۶/۷/۱۶ تأیید: ۹۷/۲/۲۱ سیدعلیرضا طباطبایی* و محمدعلی لیالی**

چکیده

پالایش فضای مجازی به معنای تصفیه کردن، بالودن و سالم سازی فضای مجازی است که هدف از آن، ایجاد محدودیت یا ممانعت از دسترسی به یک گفتار و نمایش، یا مقوله‌ای از گفتار و نمایش در فضای مجازی است، از میان نقش آفرینان فضای مجازی، نقش دولت‌ها و سیاست‌های پیش گرفته از سوی آنان از اهمیت برخوردار است؛ محدوده و گستره این تکاپو برای پالایش، با نگرش به دولت‌ها کجاست؟

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی و دولت اسلامی، محدوده پالایش و قواعد فقهی حاکم بر پالایش فضای مجازی چیست؟

هرچند در گنجینه فقه امامیه، اصل نخستین، آزادی اطلاعات و ارتباطات است، اما به این آزادی به فراخور بن‌مایه‌های دینی نگریده می‌شود؛ چراکه قواعد گوناگون فقهی که شالوده‌های نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران هستند، دلالت بر پالایش این فضا بر پایه درون‌مایه دینی دارند. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ یافته‌های پژوهش عبارتند از برخی از قواعد فقهی مانند «قاعده لاضرر»، «قاعده وجوب حفظ نظام»، «قاعده حرمة الاعانة علی الإثم»، «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل»، «قاعده اوفوا بالعقود»، «قاعده نفی سبیل» و ...

واژگان کلیدی

قواعد فقهی، فضای مجازی، فیلترینگ، فضای سایبر، آزادی بیان

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکتری حقوق عمومی.

** دانش آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

مقدمه

فضای مجازی، فضایی است که در آن واژه‌ها، پیوندها، داده‌ها، از راه ارتباطات بوسیله رایانه‌ها، گوشی‌ها و شبکه‌های اجتماعی و... پدیدار می‌شود. این فضا، در حقیقت، ارتباط داخلی عمده افراد بشر را از راه رایانه‌ها و ارتباطات راه دور، بدون نگرش به فضای جغرافیایی و فیزیکی بر دوش دارد.

فضای مجازی همانند فضای حقیقی و فیزیکی در زندگی بشر امروزی وجود دارد. فضای مجازی گونه‌ای تزاخم خیر و شر ایجاد می‌کند و چیرگی هرکدام می‌تواند برای دینداری و اخلاق، سودمند یا زیان‌آور باشد. بکارگیری فضای مجازی به‌خودی‌خود خرده‌ای ندارد؛ چراکه برای روزگار کنونی طراحی شده است و صلاح و فساد در آن با یکدیگر همراه است و بستگی به این دارد که چگونه از آن استفاده شود. بنابراین، به همه جوانب فضای مجازی نباید رویکرد آسیبی یا فرصتی داشت، بلکه باید رویکردی راهبردی داشت؛ یعنی کاستی‌ها و قوت‌ها را با هم بررسی کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

با نگرش به درون‌مایه حکومت جمهوری اسلامی ایران، باید چگونگی مواجهه خردمندان نظام اسلامی با این پدیده نوظهور تبیین و وظایف سلبی و ایجابی آن در پالایش فضای مجازی ترسیم گردد. چنانکه در قانون اساسی یاد شده است، وسایل ارتباط جمعی باید در راستای روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت گسترش فرهنگ اسلامی قرار گیرد و از اشاعه و رواج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی پرهیز گردد (قانون اساسی، اصول ۲ و ۳). بر این اساس، با نگرش به گسترش فزاینده فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری گسترده و هدفمند در جهت بهره‌گیری بیشینه‌ای از فرصت‌های برآمده از آن در راستای تحقق اهداف نظام اسلامی و پیشرفت کشور لازم است؛ چنانکه صیانت از آسیب‌های آن نیز ضرورت دارد.

کاستی‌های تحقیق و پژوهش درباره فضای مجازی محسوس است؛ چراکه گروهی

غافل از سرشت دینی نظام اسلامی، به مخالفت با پالایش فضای مجازی همت گمارده‌اند و یا دست کم، دخالت دولت‌ها در این زمینه را نکوهش می‌کنند و پالایش را در کرانه حقوق خصوصی با محوریت خانواده‌ها فرو می‌کاهند و از مباحث حقوق عمومی جامعه در فضای مجازی و آسیب‌های آن غفلت می‌ورزند. از این رو، استخراج قواعد فقهی از گنجینه فقه اهل بیت : در راستای تبیین تکلیف دولت اسلامی در پالایش فضای مجازی و رویکرد حقوق عمومی به آن ضروری است.

توجه به این وظایف حکومتی در پژوهش فرارو، قانونگذاران را در قانونگذاری و ساماندهی پهنه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فضای مجازی، بر پایه موازین فقهی یاری خواهد کرد.

محدوده و مصادیق فضای مجازی در این پژوهش عبارتند از: تمامی پیام‌هایی که توسط، وب‌گاه‌ها، وبلاگ‌ها، اتاق‌های گپ، تالارهای گفتگو، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های دوست‌یابی، پست الکترونیکی، تلفن‌های همراه، پیامک و بلوتوث و... دریافت یا روانه می‌شود.

مشخصه خاص پژوهش، نگرش حاکمیتی، بر پایه قواعد فقهی به فضای مجازی است و قلمرو آن، نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش فرارو، بر پایه قواعد فقهی است که بر اساس اصول فراوان قانون اساسی به ویژه اصول ۲، ۴ و ۱۲ بر فقه ناب جعفری 7 سامان یافته است. این پژوهش، عهده‌دار تبیین آن دسته از قواعد فقهی است که به وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران در پالایش این فضا به عنوان یک شخصیت حقوقی مکلف می‌پردازد. نگرش از زاویه حقوق عمومی به برخی از قواعد فقهی که بصورت غالبی در مسائل حقوق خصوصی از آن استفاده می‌شود، از دیگر ویژگی‌های پژوهش است.

رویکردهای مواجهه با پدیده فضای مجازی

رویکردهای مواجهه با پدیده فضای مجازی با دو رویکرد مواجهه فعال و مواجهه غیر فعال صورت می‌گیرد.

مواجهه فعال، رویکردهای متعددی را دربرمی‌گیرد. یک رویکرد، مواجهه فعال شیوه پذیرش انتخابی است. در این رویکرد، آسیب‌های فضای مجازی اندک انگاشته می‌شود و با آگاهی از آسیب‌ها اثرات آن پذیرفته می‌شود.

رویکرد دیگر، مواجهه فعال به شیوه پذیرش همراه با کاهش آسیب‌ها است؛ یعنی خط‌مشی‌گذاری افزون بر برگزیدن پدیده و آگاهی از آسیب‌های آن و تلاش برای کاهش آثار مخرب پدیده، با اقدامات پیشگیرانه و توانمندساز است.

پرهیز یا رد‌گزینی، رویکرد دیگری است که سیاست‌گذار فرهنگی با واکاوی این پدیده به این نتیجه می‌رسد که این پدیده دارای آسیب‌های بیشتر در سنجش با سودهای آن است و یا اینکه منافع و مزایای این پدیده اندک است که می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در این دیدگاه ممکن است با نمونه‌سازی و بومی‌سازی و همانندسازی نیازهای فضای مجازی را برآورده کرد.

این رویکرد، رویکرد مولد، نوآور و مواجهه فعال است که طی آن اقدامات نوآورانه خودجوش بر اساس نیاز، سلیقه، ذائقه و سبک زندگی ایرانی - اسلامی در فضای مجازی فرآوری و نوسازی گردند که آرام‌آرام در کنار برآورده‌نمودن نیاز کاربران ایرانی و جلب توجه و رضایتمندی آنان، با گونه‌های سرویس‌های فضای مجازی بومی، سبب اثرگذاری جامعه ایرانی بر دیگر فرهنگ‌ها و ملت‌ها فراهم آورد.

رویکرد تعاملی به رویکردی گفته می‌شود که خط‌مشی‌گذار و سیاست‌گذار فضای مجازی با تجزیه و تحلیل موضوع، کشور را در آن زمینه دارای توانمندی‌های نهفته یا بالفعلی ارزیابی می‌کند که می‌تواند منجر به عقب‌نشینی از سوی مقابل گردد و تصمیم‌گیری پیرامون آن را به گفتگوی دوسویه‌ای بازگرداند (حاجی ملامیرزایی، ۱۳۸۳، ص ۴۸-۴۶).

تأثیر ماهیت نظام‌های حقوقی بر گستره پالایش فضای مجازی

در نگرش الهی، هم کارویژه‌ها و اهداف حقوق بالاتر از آن است که منحصر در تأمین نظم و امنیت و بهبود وضعیت زندگانی دنیوی مردم گردد و هم گستره دین فراگیر بوده و همه عرصه‌های زندگی انسان؛ اعم از فردی، اجتماعی آن را دربرمی‌گیرد.

در نظام حقوقی اسلام، افزون بر رابطه انسانها با یکدیگر، رابطه انسان با خدا در نظر گرفته می‌شود.

در نظام حقوقی اسلام که بر پایه جهان‌بینی توحیدی، کرامت انسانی و رابطه این جهان و آخرت است، ارزشیابی و تعیین گستره اهداف مقدماتی و متوسط؛ مانند آزادی و امنیت و سعادت اجتماعی بر مبنای هدف عالی صورت می‌گیرد. از این‌رو، محدودیت این اهداف در راستای هدف عالی، امری معقول و منطقی است. برای نمونه، آزادی در اسلام تا آنجا گرامی است که در راستای تحقق هدف عالی بوده و دست کم معارض با آن نباشد. بنابراین، دیگر حقوق و منافع فردی تا آنجا معتبر است که با هدف عالی نظام اسلامی و مصالح اجتماعی در تعارض نباشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰-۱۳۹).

دولت دینی برآمده از نظام حقوقی اسلام در پهنه‌های گوناگون وظیفه دارد دولت‌های دیگر را از دولت اسلامی متمایز می‌کند. در حقیقت، دولت‌های دموکراتیک، دولت را برای انسان می‌خواهند و دولت‌های توتالیتر انسان را برای دولت می‌خواهند، اما دولت اسلامی، دولت را برای دین می‌خواهد. بنابراین، بزرگ‌ترین وظیفه دولت اسلامی، وظیفه دینی است. از این‌رو، در مقام تزامن این تکالیف با تکالیف دیگر دولت، وظایف دینی مقدم می‌شوند (کعبی نسب، ۱۳۹۲).

در موضوع اطلاعات و ارتباطات که اساس فضای مجازی را سامان می‌دهد، در گنجینه ناب فقه امامیه اصل نخستین، آزادی اطلاعات و ارتباطات است. اما به این آزادی به فراخور بن‌مایه‌های دینی نگریسته می‌شود و گستره پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی مبتنی بر دین و نظام‌های سکولار متفاوت خواهد بود؛ گرچه در نظام‌های حقوقی سکولار در فضای مجازی در برابر محتواهای ضد دینی و الهی تکلیفی نخواهند داشت، اما در بسیاری از موارد که در تأمین نظم و امنیت و مصالح زندگی دنیوی باشد، نظام حقوقی سکولار و نظام حقوقی اسلام گستره پالایش یکسانی دارند، اما در نظام حقوقی اسلام در فضای مجازی در برابر محتواهای ضد دینی تکلیف و مسئولیت وجود دارد.

قواعد فقهی حاکم بر تکلیف دولت جمهوری اسلامی ایران در پالایش فضای مجازی

در پالایش و پیرایش فضای مجازی می‌توان به قواعد فقهی متعددی اشاره کرد که برخی از آنها عبارتند از:

قاعده فقهی «لاضرر و لااضرار»

یکی از شناخته‌شده‌ترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه؛ چه در «عبادات» و چه در «معاملات» به آن استناد می‌شود، قاعده «لاضرر» است که از متن روایتی مشهور با عبارت «لاضرر و لااضرار» (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹۴) گرفته شده است و فقیهان و اصولیان امامیه و عامه بر جریان این قاعده در فقه اسلام اتفاق نظر دارند (ندوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۰).

احکام شریعت اسلام؛ اعم از تکلیفی و وضعی، مبتنی بر نفی ضرر عمومی و نوعی است. در احکام اولیه اسلام بطور کلی این اصل؛ یعنی عدم زیان عامه رعایت گردیده و همچنین در روابط اجتماعی مردم نیز هر گونه اقدام زیانبار مورد امضای شرع مقدس نیست؛ هرچند اختلاف در تفسیر ادله لفظی قاعده در قلمرو شمول و گستره آن، ثمره عملی دارد؛ وانگهی دلایل غیر لفظی مانند بنای عقلا گواه بر عمومیت و شمول قاعده است. به انضمام دلایل غیر لفظی معنای حدیث «لاضرر» آن است که «ضرر» در اسلام مشروعیت ندارد، ولی عدم مشروعیت، هم شامل مرحله قانونگذاری می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۱-۱۵۰).

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در موارد بسیاری این قاعده مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون اساسی ایران در این زمینه مقرر داشته است: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۰).

تطبیق قاعده فقهی لاضرر بر پالایش فضای مجازی

عدم مشروعیت ضرر در قاعده، هم شامل مرحله قانونگذاری می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون و بر اساس قاعده اشتراک تکالیف و متوجه‌شدن تکلیف لاضرر به

اشخاص حقوقی مانند دولت، وظیفه حکومت اسلامی پالایش محتوای فضای مجازی و از بین بردن زمینه انواع گوناگون ضررهایی است که از به حال خود رها کردن فضای مجازی تولید می‌شود. اگر جلوگیری از انواع ضررهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و بویژه آسیب‌های دینی، وظیفه دولت اسلامی در فضای حقیقی و خارجی است، با توجه به مختصات فضای مجازی این تکلیف به قیاس اولویت، در این فضا ثابت می‌شود.

این اولویت بدین شکل تبیین می‌شود که ضررها در دو فضای حقیقی و خارجی و مجازی با توجه به ویژگی‌های متمایز آنها و تحت تأثیر متغیرهای دو فضا، تفاوت‌های اساسی ساختاری با یکدیگر دارند که در اثرات و پیامدها، این تفاوت‌ها آشکار می‌شود. این تفاوت‌ها و مقایسه آنها می‌تواند تصویر روشن‌تری از ضررها و آسیب‌های فضای مجازی پدیدار کند. انتقال از محیط فیزیکی به محیط مجازی، ظرفیت‌های جدیدی برای ضررهای اجتماعی و فرهنگی و دینی بوجود می‌آید که در محورهای ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۱. دگرگونی ضرر از آنالوگ به دیجیتال.
 ۲. دگرگونی ضرر مبتنی بر زمان فیزیکی به ضرر مبتنی به زمان مجازی.
 ۳. دگرگونی ضرر و زیان محلی به ضرر و زیان جهانی - محلی.
 ۴. دگرگونی ضرر کند به ضرر سریع.
 ۵. دگرگونی آسیب ایستا به آسیب سیال.
 ۶. دگرگونی ضرر منفرد (منزوی) به ضرر متکثر (شبکه‌ای).
 ۷. دگرگونی ضرر تک‌مکانی به ضرر همه‌جا پدیدار.
 ۸. دگرگونی آسیب‌گرایی ارادی (خواسته) به آسیب‌گرایی غیر ارادی (ناخواسته).
- دیجیتالی‌شدن، تغییر و تبدیل سریع، تراکم گسترده و انضمامی، بسیاری از ضررها را فراهم می‌آورد. خصیصه‌های امر دیجیتال، دستکاری‌پذیر، شبکه‌ای‌شدن، قابل فشردن و متراکم‌شدن و کوچک‌شدن است. بر این اساس، ضررها و آسیب‌ها در فضای مجازی دیجیتال هستند که گستره آنها نامحدود است.

ضررهای مجازی، آسیب‌هایی فراگیر هستند؛ به این معنا که دامنه شمول آن بسیار

گسترده است. آسیب فضای حقیقی و خارجی، آسیبی است که تنها افراد محدودی را که به جریان آسیب پیوسته هستند، درگیر می‌کند. اما دامنه درگیری ضرر و زیان در فضای مجازی بسیار گسترده است.

همه تولیدات، نقل و انتقال‌ها و کنش‌گری‌ها در فضای مجازی، رهیده از مکان و جهان است. بنابراین، همه فسادها و زیان‌های جهان بصورت مترام در دسترس یک کاربر قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، یک فساد محدود به محیط خاص در معرض مصرف همه جهانیان قرار می‌گیرد. آسیب‌ها و ضررها در فضای حقیقی و خارجی از آنجا که در حصر مکان و محل قرار دارد، چندان با شتاب گسترش نمی‌یابد. وانگهی در فضای مجازی، به دلیل ویژگی فرامحلی این فضا شتابان از فضای محلی به فضاهای جهانی منتقل و از دیگر سو، از فضاهای جهانی به فضای محلی انتقال می‌یابد. ضرر و زیانهایی که برآمده از سرعت بالای حرکت از جایی به جای دیگر است، سریع هستند، اما انواع ضررها در فضای حقیقی و خارجی به اقتضای جبر مکانی و زمانی، آسیب‌های کندی بشمار آورده می‌شوند.

از آنجا که فضای مجازی، فضای سیال‌بودن است، ضرر و زیان در این فضا نیز سیال است؛ چراکه اشخاص، همواره در معرض آن هستند و آسیب نیز همواره در حال اثرگذاری است. ضررها در بستر خطی فضای حقیقی و خارجی زمانی پدید می‌آید، اوج می‌گیرد و سرانجام افول می‌یابد. اما در بستر غیر خطی یا به عبارت بهتر، شبکه‌ای فضای مجازی ممکن است آسیب و ضرر در یک نقطه یا چند نقطه آغاز شود، اما از آنجا که در بستری شبکه‌ای قرار گرفته است، پایان واحدی ندارد. در حقیقت، ضررها در فضای حقیقی و خارجی یک امتداد و یک پایان دارد، اما در مجازی، بی‌نهایت امتداد و بی‌نهایت پایان دارد.

ضررهایی که در فضای حقیقی و خارجی رخ می‌دهد، منزوی و به دور از شرایط و بسترهای گوناگون آسیب‌زا و آسیب‌پرور ممکن در جهان است. بسترهای آسیب، روی طیفی قرار دارند که از کم‌ضرر تا پرضرر امتداد دارد. اما آسیب مجازی در امتدادهای متعدد و متنوعی در حرکت است که اثرات ضرر و خطرات آسیب ناشی از آن را صدچندان می‌کند.

محتواهای آسیب‌زا توسط دستگاه‌های همه‌جا حاضر، برنامه‌پذیر و دیجیتال، به عمق زندگی‌ها نفوذ پیدا کرده‌اند. محیط نیز مسأله برجسته‌ای است که در کاوش تجربه‌های آسیبی جهان فیزیکی و مجازی باید به آن پرداخت. در فضای حقیقی و خارجی محیط آسیب‌زا، محیطی شناخته شده یا شناسایی‌پذیر است و در واقع، فضای حقیقی و خارجی محیط‌هایی دارد که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و جابجایی از یک محیط به محیط دیگر در مسیر خطی رخ می‌دهد که زمان و مکان از عناصر اساسی آن هستند. این انتقال اساساً هزینه‌بر است و همچنین فرصتی به فرد می‌دهد تا بصورت خودآگاه درباره این انتقال بیندیشد. از سوی دیگر، در فضای مجازی هرچند محیط‌های گوناگونی وجود دارد، اما کاربر نمی‌تواند میان «رفت و آمد»‌های میان این محیط‌ها انتقالی را احساس کند.

رایانامه‌های مشوق فساد، تبلیغات، تصاویری که بدون درخواست فرد در صفحه نمایشگر پدیدار می‌شود، درخواست‌های عضویت بی‌شمار برای حضور در گروه‌های منحرف و فاسد و هرزنامه‌هایی که به تبلیغ در حوزه‌های جنسی و هرزه‌نگاری بدون توجه به بسترهای فرهنگی کاربران می‌پردازد، مواردی هستند که بدون درخواست و کنشی از سوی کاربر، وی را در معرض دستخوش ضرر و آسیب قرار می‌دهد. آسیب‌ها در فضای حقیقی و خارجی تنها زمانی شخص را مورد حمله قرار می‌دهند که به قلمرو آسیب وارد شود، اما در فضای مجازی بصورت بالقوه در هر آن و با هر کلیک، این امکان وجود دارد که شخص در حوزه اثرگذاری آسیب‌ها قرار گیرد.

افزون بر این موارد، ویژگی فضای مجازی موجود گمنام و سیال بودن هویت کاربران است. در طول تاریخ هویت اشخاص همیشه ثابت، ایستا و استوار بر تعریف مشخص پشتیبانی شده از سوی جامعه و نظام‌هایی قانونی است که در آن زاده شده‌اند، اما در فضای مجازی، این امکان وجود دارد که شخص سن، جنس، طبقه و دیگر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی‌اش را هرگونه که خودش دوست دارد، معرفی می‌کند و پس از چندی می‌تواند این شناسه‌ها را هم تغییر دهد. از این رو، در این فضا ضرر بسیاری نسبت به منافع خصوصی افراد یا منافع عمومی جامعه اسلامی وجود دارد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص ۴۷).

با توجه به عمومیت و شمول قاعده لاضرر و با توجه به دلایل این قاعده و بویژه بنای عقلا، گستره این قاعده در برگیرنده ضرر در پهنه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، نظامی، امنیتی یا ضرر مالی، جانی و حیثیتی و یا ضررهای ناشی از موضوع یا حکم و نیز ضرر از ناحیه هر شخصی؛ اعم از حقیقی یا حقوقی را شامل می‌شود و همچنین ضرر شخصی و نوعی - هر دو - را در بر می‌گیرد، با قیاس اولویت باید اذعان کرد که جلوگیری از ضررهای مجازی، پالایش فضای مجازی از وظایف و تکالیف دولت اسلامی در عصر ارتباطات است.

قاعده فقهی «حرمة الاعانة على الإثم»

حرمت همیاری بر گناه و به اصطلاح فقیهان «اعانه بر اثم»، از آیه شریفه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده(۵): ۲) گرفته شده است. در آثار فقیهان متقدم این موضوع با نام این قاعده نیامده، اما فقیهان متأخر از این موضوع با نام «قاعده اعانه بر اثم» یاد کرده‌اند. اثم نیز به معنای مخالفت با امر خدای متعال است؛ خواه بصورت فعل باشد، یا ترک فعل (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ذیل واژه «اثم»). بنابراین، قاعده شامل حرمت کمک به انجام کارهایی است که ناخشنودی خداوند، واپسماندگی در زندگی مادی و معنوی و تجاوز به حقوق خصوصی و عمومی مردم را در پی دارد.

از دیدگاه برخی از فقیهان، معاونت عبارت است از هر امری که دیگری را یاری نموده، او را در تحقق هدفش توانا سازد؛ مانند دادن ابزار ضرب به ظالمی که آهنگ تعدی به مظلومی را دارد (خوانساری، ۱۳۷۳، ص ۱۱). برخی دیگر از فقیهان، معاونت را به انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام، به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات معرفی کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۶). همچنین یاری کردن اختصاص به مساعدت عملی ندارد و بالاتر از آن، کمک فکری و ارشادی را نیز در برمی‌گیرد (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۴۵۰).

تطبيق قاعده فقهی «حرمة الاعانة على الإثم» بر پالایش فضای مجازی

مفاد قاعده حرمت همیاری در گناه در قلمرو خویش، بسان دیگر قواعد فقه اسلام،

گنجایش انطباق حکم قاعده را بر مصادیق نوپدید دارد. به جهت تأثیر شگرف فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) که فضای مجازی از دل آنها برآمده، به انتشار خیر و شر، عنوان معاونت در برّ و تقوا و معاونت بر اثم و عدوان بی‌چون و چرا بر فراهم‌کنندگان و بسترسازان فضای مجازی صادق است و تمام شروط و لوازم انطباق قاعده با قیاس اولویت بر فراهم‌کنندگان بستر ایجاد خیر و شر با سرعت بسیار وجود دارد؛ زیرا هم عنصر قصد در این معاونت و همیاری وجود دارد و هم صدق عرفی عنوان معاونت در آن بدیهی است.

با توجه به تسهیل ارتکاب انواع فراوان اثم و عدوان در فضای مجازی، اگر دولت اسلامی به تکلیف خود در پالایش بی‌اعتنا باشد، عنوان معاونت بر اثم و عدوان بر شخصیت حقوقی دولت صادق خواهد بود و این امر از مصادیق معاونت بر گناه از طریق صناعات است که در کتب فقیهان متقدم دارای پیشینه است. بنابراین، پالایش محتوای فضای مجازی از مظاهر اثم و عدوان و تطهیر آن از وظایف حکومت اسلامی است.

در این مورد، در تحقق خارجی معصیت و اثم در فضای مجازی تردیدی نیست؛ زیرا گرچه چنین تردیدی در فضای حقیقی و خارجی سبب تردید در صدق اعانت بر مواردی که فعل تحقق خارجی ندارد، می‌شود، اما در فضای مجازی به جهت آنکه محتوا در قالب بی‌نهایت انتشار می‌یابد، بی‌تردید در موارد گوناگون و برای مخاطبان مختلف سبب تحقق خارجی معصیت خواهد شد. از این رو، از دیدگاه نظری، چه قائل به شرط تحقق خارجی فعل گناه و جرم در خارج باشیم یا خیر، در فضای مجازی به جهت قطعی بودن تحقق خارجی اثم، جرم و گناه تحقق می‌یابد.

شاید در رد استدلال تکلیف دولت در پالایش فضای مجازی گفته شود، صناعاتی که تنها از آن استفاده حرام شود و جز فساد چیزی از آن عاید نگردد، حرام است و تنها آنچه مقدمه فساد بوده و در خود آن نیز فساد باشد، ممنوع شرعی است. بنابراین، تصدیق آن و ستاندن اجرت بر آن و جمیع تصرفات در آن، از هرگونه که باشد، حرام است. اگر صنعتی باشد که گاه در جهت منافع و گاه در جهت مفاسد بکارگیری شود،

تنها بر کسانی ناروا است که آن را در غیر راه حق بکار گیرد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹). به دیگر سخن، اگر صنعتی ساخته شود که بدین ابزار برای وجوه فساد و معاصی استعانت بشود و کمک به حق و باطل هر دو باشد، عیب و گناهی در ساختن و آموختنش نیست؛ مانند نویسندگی که به وجهی از وجوه فساد؛ مانند تقویت و کمک کارگزاران حکومت‌های ناحق بکار می‌رود و همچنین ساختن کارد و شمشیر و نیزه و کمان و جز آنها که بسا در جهات صلاح و در جهات فساد بکار روند و کمک برای هر دو باشند که باکی نیست در آموختن و آموزش و مزدگرفتن بر آن و کردار بدان و در آن برای کسی که در جهات صلاح باشد، از همه خلاق و بر همه حرام است که آن را در جهت فساد و زیان بکار برند و بر استاد و شاگرد این صنایع، گناه و مسؤولیتی نیست؛ زیرا در آن نسبت به منافع، جهات صلاح رجحان وجود دارد و گناه بر کسی است که آن را در وجوه فساد و حرام مصرف می‌کند (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۷۲).

در پاسخ باید گفت، این نگاه به موضوع برآمده از نگاه فقه فردی و غیر سیاسی به موضوعات است. توجه به این نکته لازم است که گاه ممکن است موضوعی از نگاه تکلیف فردی، روا تلقی گردد. وانگهی از دیدگاه فقه سیاسی و حکومتی و تکلیف حکومت نسبت به آن ناروا باشد. گرچه نسبت به تکلیف کاربران فضای مجازی، استفاده حلال و حرام تصور می‌شود، اما نسبت وظیفه دولت، در دسترس قراردادن صنعتی که هم کاربردهای حلال دارد و هم استفاده‌های حرام، نمی‌تواند روا باشد؛ چراکه در این صورت، اگر امکان زدودن و پالایش از محرّمات و معاصی باشد، حکومت اسلامی وظیفه این کار را دارد و حتی اگر امکان زدودن آلودگی و پالایش صنعت از ناهنجاری‌ها نباشد و استفاده حلال و حرام، در هم تنیده و غیر قابل تفکیک باشند، در این صورت، قاعده فقهی «دفع المفسدة اولی من جلب المنفعة» حاکم خواهد شد، مگر آنکه مصلحت بالاتری؛ مانند مصلحت حفظ نظام فوت گردد که در این صورت، مصلحت فروتر، تا زمان وجود ضرورت به نفع مصلحت فراتر و با اهمیت‌تر از نگاه شارع، کنار گذاشته می‌شود (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۲۷) و

قاعده فقهی اهم و مهم به عنوان یکی از قواعد فقه سیاسی و حکومتی جاری می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۷۸).

نتیجه آنکه مفاد قاعده حرمت همیاری بر گناه، حرمت کمک به انجام کارهایی است که ناخشنودی خداوند، عقب‌ماندگی در زندگی مادی و معنوی و تعدی به حقوق خصوصی و عمومی مردم را در پی دارد؛ زیرا گستره عام قاعده در مصادیق «اثم» و «عدوان» هر گناه؛ اعم از فردی، اجتماعی و هر گونه تجاوز به حقوق الهی و حقوق عمومی و حقوق خصوصی در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، قضایی و جز آنها را در بر می‌گیرد. از آنجا که بستر فضای مجازی در حاکمیت انحصاری دولت است و از دیگر سو، فضای مجازی آکنده از انواع محتواهای آلوده و ناهنجار است، پالایش محتوای فضای مجازی از مصادیق اثم و عدوان از تکالیف حکومت اسلامی در عصر اطلاعات و ارتباطات است؛ چراکه مصادیق مشهور این قاعده، حرمت کمک به انجام مظاهر فساد در جامعه، حرمت همیاری با حکومت‌های جائز، حرمت همیاری برای مقابله با حکومت اسلامی و انجام جرائم سیاسی، حرمت همیاری با کافران و دشمنان، بویژه حرمت کمک به انجام گناهان فردی و اجتماعی در فضای مجازی نسبت به فضای حقیقی و خارجی جریان می‌یابد.

قاعده فقهی «حفظ نظام»

یکی از قواعد مورد اتفاق فقیهان که از دیر زمان در کلام معصومان : بازتاب وسیعی داشته است، «وجوب حفظ نظام» است. این حکم کلی و عام که در ابواب گوناگون فقهی بکار رفته و از اهمیت برخوردار است، می‌توان آن را از قواعد فقهی بشمار آورد.

نظام، یک مفهوم عام و یک مفهوم خاص دارد. در مفهوم عام، نظام به معنای سامان‌داشتن زندگی مردم و استقرار نظم و عدالت در جامعه است که در اصطلاح به آن «نظام عام یا کلان اجتماعی» گفته می‌شود و در مفهوم خاص، شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود؛ بگونه‌ای که حفظ یا اختلال هر یک از آنها به حفظ یا اختلال آن نظام عام و کلان می‌انجامد. به سخن دیگر، میان نظام کلان اجتماعی

و خرده‌نظام‌ها، پیوند طولی و سلسله‌مراتبی وجود دارد. گاهی نیز نظام به معنای «حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی»، «حکومت یا نظام سیاسی»، «بیضه یا مرکزیت جامعه مسلمانان» و «نظام اسلام» بکار می‌رود. برجسته‌ترین مفهوم مورد نظر فقیهان در متون دینی، «نظام اسلام» است (ملک افضلی، ۱۳۸۹، ش ۵۸، ص ۱۱۱).

از دیدگاه برخی از محققان، منظور از نظام اسلام، سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت آن است که معمولاً به «بیضه اسلام» تعبیر می‌شود و در تعبیر دیگری، شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۳۵). بنابراین، در جامعه اسلامی، هدف غایی از حفظ نظام «حفظ نظام اسلام» یا عینیت‌بخشیدن به دین اسلام در جامعه برای دستیابی به اهداف متعالی آن؛ یعنی کامیابی دنیوی و اخروی انسانها است.

بنابراین، حفظ نظام در فقه در چند معنا بکار رفته است؛ گاه مراد از آن حفظ آراستگی درونی جامعه و نهادهای آن از هرج‌ومرج است که این تعریف ایجاد پیوستگی معقول و منطقی را میان ساختارهای حکومت در نظر دارد و محیط جامعه را برای اجرای احکام الهی آماده می‌سازد و نقطه ثقل آن سامان‌بخشی معیشت جامعه است. در همین راستا فقیهان، عمل به احتیاط عمومی در زندگی را به سبب اخلال در نظام معیشتی نامعقول دانسته‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۸). از این جهت است که در گفتار فقیهان، تصدی دانش‌ها و فنونی که نظام معیشت جامعه به آنها نیازمند است را واجب شمرده‌اند.

دیگر معنای «حفظ نظام» در کلام فقیهان، پاسداری از کیان کشور اسلامی از تاخت و تاز دشمنان است که از آن به «حفظ بیضه اسلام» تعبیر شده است. یکی از فقیهان در این راستا می‌گوید: «تحفظ از مداخله اجانب و تحذر از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه و غیر ذلک... این معنا را در لسان متشرعان حفظ بیضه اسلام و سایر ملل حفظ وطنش خوانند...» (نائینی، ۱۴۲۴ق، ص ۶). اهمیت و سترگی حفظ نظام در این معنا تا آنجا است که برخی از فقیهان، برای حفظ نظام، حکم به

و جوب جهاد در کنار حاکم جائز داده‌اند و بر آن ادعای اجماع کرده‌اند (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۱، ص ۴۷). حفظ نظام بنا بر هر یک از دو معنای پیش‌گفته عبارت است از «اداره شئون مجتمع؛ بگونه‌ای که نیازهای مادی و معنوی آن به قدر امکان مهیا شود و روابط و مناسبات داخلی تنظیم گردد» (شمس‌الدین، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۰).

معنای دیگری که بیشتر از سوی فقیهان معاصر و پس از انقلاب اسلامی در ایران و حاکمیت ولایت فقیه دیده می‌شود، حفظ نظام در مفهوم حفظ حکومت موجود است؛ چراکه حفظ نظام در دو معنای نخست، متوقف بر حفظ حکومت موجود است.

تطبيق قاعده فقهی حفظ نظام بر پالایش فضای مجازی

استدلال بر ضرورت پالایش فضای مجازی بر پایه قاعده حفظ نظام به سه تقریر امکان‌پذیر است:

تقریر اول: قیاس اولویت

فضای مجازی که بوسیله شبکه رایانه‌ها و ارتباطات الکترونیکی پدید آمده، در کنار فضای طبیعی و فیزیکی به یک فضای واقعی تبدیل شده است که در حقیقت، امتداد فضای سنتی و واقعی است که در بستر دیجیتال بوجود آمده است و هم‌راستا با این فضا، هم تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد.

از دیدگاه این پژوهشگران، جهان امروز شاهد پیدایش «واقعیت مجازی» در کنار «واقعیت فیزیکی» است و دوواقعیتی و دوفضایی شدن جهان، همه قلمروهای نظری و معرفت‌شناسی جهان را تحت تأثیر قرار داده است و همچنین دگرگونی‌های جدی را در نگاه، روش، زمینه یا بستر مطالعات بوجود می‌آورد؛ بگونه‌ای که فهم جهان واقعی، منهای درک جهان مجازی و بالعکس، مطالعه جهان مجازی بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی، مطالعه و نگاه را گرفتار خطای فهم می‌کند (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

امروزه ساحت فضای مجازی در راستای ساحت‌های سیاست، اقتصاد، حقوق، امنیت، فرهنگ، حقوق و دیگر حوزه‌ها قرار گرفته و با دست‌اندازی به ساحت علوم گوناگون، آنها را سایبری کرده و چهره آنها را دگرگون ساخته است.

فضای فرهنگ و فکر و اندیشه، فضای مجاز نیست، بلکه فضای حقیقت است؛ خواه از ابزار حسی بدست آید یا از ابزار ماورای جنس باشد. چیزی که با اندیشه اندیشوران در ارتباط مستقیم است. پیامی را به ذهن منتقل می‌کند یا خصوصیتی را در نفس ایجاد می‌کند، این حقیقت است، نه مجاز؛ زیرا نه سیم حقیقت است که بی‌سیم شود مجاز و نه چهره صفحه تلویزیون حقیقت است تا اگر چیزی بی‌صورت و بی‌تصویر بود، مجاز شود؛ هر جا فکر و اندیشه و انتقال فکر و اندیشه و علم است، حقیقت است (جوادی آملی، ۱۳۹۳).

این درهم‌تنیده‌شدن فضای مجازی و حقیقی حاکی از آن است که حفظ نظام در فضای حقیقی و خارجی متوقف بر حفظ نظام در فضای مجازی است. بلکه باید گفت، پالایش فضای مجازی بمنظور حفظ نظام بر پالایش فضای حقیقی و خارجی اولویت دارد؛ چراکه آسیب‌زدن به نظام در فضای حقیقی و خارجی، آسیبی «آنالوگ»، «مبتنی بر زمان فیزیکی»، «محلی»، «تک‌بعدی»، «کند»، «محدود»، «راکد» و «عادی» است. اما در دیگر سو، آسیب مجازی به نظام، آسیبی «دیجیتال»، «مبتنی بر زمان مجازی»، «جهانی - محلی»، «متکثر و چند بعدی»، «سریع»، «جهانی»، «فراگیر»، «سیال» و «غیر عادی» است.

از دیگر اقتضانات فضای مجازی موجود که اولویت پالایش فضای مجازی بمنظور حفظ نظام را روشن‌تر می‌سازد، ویژگی گمنامی و سیال‌بودن هویت کاربران فضای مجازی است. در فضای حقیقی و خارجی، هویت افراد همیشه ثابت، ایستا و استوار بر تعریف مشخص پشتیبانی‌شده از سوی جامعه و نظام‌های قانونی است که در آن زاده شده است، اما در فضای مجازی این امکان وجود دارد که فرد سن، جنس، طبقه و دیگر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی‌اش را هرگونه که خودش دوست دارد کند و پس از چندی می‌تواند این مشخصات را هم تغییر دهد. امکان گمنامی و ناشناخته‌بودن، توانایی پنهان‌سازی ابعادی از شخصیت، جستجوی هم‌اندیشان، دوستی با دوستان، اختیار و اقتدار مطلق و احساس عدم تعلق به مکان خاص از برجسته‌ترین تأثیرهای این فضا است که به کاربران جسارت هنجارشکنی و تولید محتوا علیه نظام و حکومت اسلامی را

می‌دهد. در فضای حقیقی و خارجی به سبب شناخته‌شدن هویت افراد و پذیرش مسؤلیت رفتار و گفتار، ساختارشکنی کمتری نسبت به نظام صورت می‌پذیرد. برخورد با عاملان انحرافی در فضای اینترنتی و سایبری، به برهان تکثرگرایی فضای مجازی و گمنام‌بودن آنها در بیشتر اوقات ممکن نیست و بی‌گمان با محدودیت‌هایی چون عدم اجرای حد یا تعزیر بر بزهکار و عدم امکان اجرای فیزیکی مراتب امر به معروف و نهی از منکر مواجه هستیم؛ زیرا کاربران می‌توانند به هرگونه امکانات الکترونیکی، بدون در نظر گرفتن اینکه این اطلاعات و خدمات در کدام نقطه دنیا واقع شده است، دست پیدا کنند.

محیط سایبری، زمینه‌کنشگری را در تراز فرامرزی بدون دخالت مستقیم بشر فراهم آورده است. محدوده فعالیت کاربر به مرزهای فیزیکی یک خانه یا یک محل کار و حتی مرزهای یک کشور محدود نبوده و در یک سطح کم‌هزینه، هر کاربر می‌تواند در هر زمان و در هر مکانی با مردم در هر نقطه‌ای از جهان دیدار کند و اطلاعات مبادله کند، بدون اینکه از محل واقعی و هویت فرد آگاهی داشته باشد. همچنین انحرافات سایبری، بسیار ناشناخته‌تر از انحرافات کلاسیک و سنتی است؛ مانند بسیاری از کاربران اینترنت، بزهکاران سایبری از اسامی مستعار استفاده می‌کنند و به یک سایت به عنوان کاربر میهمان و ناشناس وصل می‌شوند.

از این رو، برای اشخاص و یا حتی نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی بسیار دشوار است که هویت واقعی قاتلان سایبری را ردیابی کنند؛ زیرا در فضای سایبری، موانع فیزیکی همچون ایست و بازرسی، مرز یا گمرک و مانند آن وجود ندارد. بر این اساس، جرائم سایبری بیشتر قابل ردیابی نیستند و به سادگی نمی‌توان دست‌اندرکاران آن را شناسایی کرد. گذشته از اینکه در جرائم مجازی، بزهکار پس از بزهکاری، نه تنها احساس پشیمانی نمی‌کند، بلکه بالعکس به هوش و توانایی‌های خود در بزهکاری می‌بالد. به همین دلیل، می‌توان گفت جرائم مجازی، نسبت به نظایر فیزیکی‌شان از رقم سیاه بالاتری برخوردارند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۳، ش ۴۷، ص ۱۱۸).

از آنچه گذشت، دانسته می‌شود، تمام برهان‌ها و مستندات که دلالت بر ضرورت

حفظ نظام در فضای حقیقی و خارجی هستند، با اولویت بر ضرورت پالایش فضای مجازی بمنظور حفظ نظام دلالت خواهند داشت.

تقریر دوم: حفظ نظام، فلسفه اجرای مقررات و مبارزه با انواع قانون‌شکنی جرم‌شناسان در یک دسته‌بندی کلی، جرائم فضای مجازی را به دو قسم تقسیم می‌کنند: جرائم علیه رایانه و جرائم از طریق رایانه. گروه نخست؛ یعنی جرائم رایانه‌ای شامل خراب‌کاری رایانه‌ای، ایجاد خسارت در داده‌ها، اختلال در سیستم و شبکه، تولید و انتشار برنامه‌های مخرب و موجد اختلال، دستیابی غیر مجاز، شنود غیر مجاز، استفاده غیر مجاز و جرائم ناقض حقوق معنوی پدیدآورندگان، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای است.

گروه دوم؛ یعنی جرائم ارتكابی از طریق رایانه که با سازوکار تولید محتوا سامان می‌یابند، عبارتند از: جرائم علیه اشخاص (قتل، کذب، افتراء، توهین، نشر اکاذیب، افشای سر)، جرائم علیه اموال و مالکیت (کلاهبرداری رایانه‌ای، سرقت رایانه‌ای، خیانت در امانت یارانه‌ای و تخریب رایانه‌ای)، جرائم علیه اخلاق، عفت عمومی (پورنوگرافی، توریسم، روابط نامشروع، قمار و...)، جرائم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی (تدلیس در نکاح)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی (محرابه، جرم افساد فی الارض، جاسوسی رایانه‌ای، خیانت به کشور، براندازی نرم و نافرمانی مدنی، جعل رایانه‌ای، اختلاس، رشوه، پول‌شویی سایبری)، جرائم علیه مذهب (سب النبی، ارتداد، توهین به مقدسات، ایجاد شبهات مغرضانه، نشر مطالب الحادی).

اگر فلسفه اجرای قوانین، مجازات‌ها، حدود و تعزیرات، حفظ نظام است، باید در فضای مجازی نیز بمنظور حفظ نظام، محتویاتی که قوانین نظام اسلامی را نقض می‌کنند، پالایش شود. بدیهی است، رهاکردن فضای مجازی از پالایش و آزادی بی‌حد و حصر کاربران، موجب چالش تمامیت نظام و خرده‌نظام‌های داخل آن و حکومت اسلامی خواهد شد. بنابراین، اگر در فضای حقیقی و خارجی، قاعده حفظ نظام، اقتضای اجرای قوانین و اعمال محدودیت‌ها و زدودن آسیب‌ها از جامعه انسانی را دارد،

به جهت درهم‌تنیدگی فضای حقیقی و خارجی با فضای مجازی، اجرای قوانین، اعمال محدودیت‌ها و پالایش محتوای فضای مجازی هم در راستای حفظ نظام ضروری است.

تقریر سوم: ضرورت پالایش فضای مجازی از طریق ادله دفاع از نظام دین اسلام به عنوان جامع‌ترین دین الهی دارای برنامه منسجمی برای اداره جامعه و حفظ نظام است. اسلام دارای یک نظام دفاعی مشخص و سیاست‌های دفاعی ویژه در راستای دفاع از نظام خود، بر پایه تعالیم خویش است. بدیهی است سیاست‌های کلی دفاعی اسلام که چارچوب آن در قرآن کریم و احادیث بنا نهاده شده و بر پایه فطرت بشر و از سوی آفریدگار اوست، هیچ تغییری ننموده است و در دنیای مجازی تفاوتی با دنیای واقعی ندارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم (۳۰): ۳۰)؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

در قرآن کریم حفظ آمادگی در برابر تاخت و تاز دشمن و پاسبانی از مرزها بمنظور حفظ نظام اسلامی مورد تأکید جدی قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا» (نساء (۴): ۷۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا بصورت دسته واحد (طبق شرایط موجود) به سوی دشمن حرکت نمایید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران (۳): ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

چنانکه در سخن معصومان : آمده است، پدافند و مرزبانی در برابر تهاجمات فکری و نرم، دارای ترازوی برتر از پدافند در برابر تهاجمات فیزیکی و سخت است

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵)؛ چراکه شکست در دفاع از مرزهای عقیدتی و فرهنگی، شکست سیاسی نظامی را در پی خواهد داشت (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۳۵). فقیهان دفاع از مرزهای عقیدتی جامعه و کمک به افراد ضعیف فکری را بر دانشمندانی که توانایی‌اش را دارند، واجب شمرده‌اند. همچنین قیاس اولویت در برخی از احکام، وجوب آمادگی برای دفاع را روشن‌تر می‌نمایاند. با این توضیح که در شرایطی که حتی شرط‌بندی در مورد اسب‌دوانی و تیراندازی که موجبات تقویت بنیه دفاعی مسلمانان است، جایز شمرده شده است یا در سفر، سفارش اکید به مسلح‌بودن به شمشیر و آمادگی برای دفاع در برابر راهزنان شده یا برای ایجاد هراس در دل دشمنان و شاداب و جوان نشان‌دادن جامعه، خضاب‌کردن مو با رنگ سیاه، به عنوان عملی مستحب سفارش شده است، موضوع وجوب کسب آمادگی برای دفاع در برابر کافران بسیار بدیهی است (جاوید نیا و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۹-۳۸).

در فضای مجازی دو گونه تهاجم وجود دارد: تهاجماتی که به انگیزه تخریب و اختلال داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای کشور، یا دستبرد اطلاعات مالی یا خصوصی اشخاص و انتشار آنها و بطور کلی، ایراد ضرر اقتصادی یا معنوی و هتک حیثیت برای اشخاص یا کشور است و گونه دوم، تهاجماتی است که مرزهای فرهنگی و اخلاقی و دینی یا سیاسی جامعه را هدف قرار می‌دهند. به حکم قطعی عقل، کسب آمادگی کامل و دفاع در برابر این تهاجمات ضروری است. بنابراین، نظام مورد تهدید، باید برای پیشگیری از اختلال نظام و در نتیجه، سقوط حاکمیت خویش، تدابیر نوینی بیندیشد و چنانچه مورد حمله نظامی، فرهنگی و یا اقتصادی قرار گرفته باشد، به اقدامات پیشگیرانه و تلافی‌جویانه در دفاع از نظام خویش دست یازد؛ «اقدامات پیشگیرانه»؛ مانند جنگ (یا جهاد دفاعی در فرهنگ اسلامی) و «کسب اخبار از تحرکات دشمن»، از این قبیل است؛ چنانکه مقام معظم رهبری (حفظه الله) فرموده‌اند: «این فضا [فضای مجازی] میدان افکار و میدان کارزار و جنگ حقیقی است و به اندازه حفظ نظام و ارزش‌های آن دارای اهمیت است. در این جنگ نرم، قلب و ذهن افراد، خاکریز و صحنه نبرد است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۴).

قاعده فقهی «لزوم دفع ضرر محتمل»

وضع که در برابر رفع بکار می‌رود، به معنای قراردادن چیزی در جایگاه خود است. بنابراین، رفع به معنای برداشتن چیزی از جایگاه خود است. لذا باید وضعی باشد تا رفعی انجام شود. اما دفع در جایی بکار می‌رود که چیزی هنوز بوجود نیامده، اما مقتضی و زمینه وجود آن موجود است. بنابراین، دفع همان پیشگیری است (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳، ذیل واژه «دفع»).

این قاعده، در بیشتر آثار فقهی بویژه در کتب قواعد فقهی به عنوان قاعده‌ای جداگانه مورد پذیرش فقیهان قرار گرفته است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۳۴). همچنانکه در نظام حقوقی ایران مبنای وضع برخی از مواد قانونی بوده است. بر این اساس، اگر احتمال ضرری پیش آید، باید دفع گردد؛ خواه آن ضرر مادی یا معنوی و خواه دنیوی یا اخروی باشد.

ضرر در حکم عقل به لزوم دفع ضرر سه گونه است: نخست، ضرر دنیوی؛ مانند نقص در بدن، مال، جان یا آبرو. دوم، ضرر اخروی؛ مانند عذاب و عقاب و سوم، ضرری مانند مکروهات است که بازگشت به ضرر دنیوی یا اخروی نمی‌کند؛ وانگهی بر مبنای مصالح و مفاسد، بر مبنای احکام شرعی مانند قرب و بعد الهی بوجود می‌آید.

هیچ انسان خردمندی در لزوم جلوگیری از زیان‌های مهم تردید نمی‌کند. اصل «لزوم دفع ضرر» یکی از پایدارترین اصول زندگی بشر بشمار می‌رود و تجربه قرن‌ها زندگی انسان، استواری آن را تأیید می‌کند. احتمال ضرر نیز کافی است تا انسان را به چاره‌اندیشی برای پیشگیری از آن برانگیزد.

تطبیق قاعده فقهی دفع ضرر محتمل بر پالایش فضای مجازی

یکی از دلایلی که فقیهان حکم به حرمت کتب ضاله کرده‌اند، احتمال اضرار (اضلال) و حکم عقل به دفع ضرر احتمالی است؛ زیرا در مطالعه اینگونه کتاب‌ها، احتمال انحراف عقیدتی و ضرر اخروی می‌رود. «شهید ثانی»، «محقق کرکی» و «صاحب ریاض» نیز پس از مستثنا کردن کسانی که به دلیل توانایی علمی، هراسی از گمراهی آنان نیست، به این برهان عقلی اشاره کرده‌اند؛ با این سخن که «بدون

درامان بودن از میل به باطل نمی‌توان حکم حرمت را برای کسی منتفی دانست، به دلیل احتمال وجود ضرر که وجوب دفع آن از نفس ضروری است» (قانع، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳).

برخی از فقیهان معتقدند: تمسک به وجوب دفع ضرر محتمل یا مظنون تنها راه دفع کتب ضاله، منع آنها نیست و با روش‌های دیگری مانند کوشش برای رفع شبهه یا عدم رجوع، امکان دفع ضرر در این زمینه وجود دارد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۵۷).

همچنین در تأیید این دیدگاه گفته شده است، اگر در دفع ضرر محتمل یا مظنون، آسان‌ترین یا کم‌آسیب‌ترین راه را هم شرط بدانیم، در دفع ضرر ناشی از کتب ضاله، حکم به حرمت یا انهدام آن در مرحله آخر قرار می‌گیرد و تا زمانی که شیوه پذیرفتنی‌تری باشد، رجوع به شیوه مشکل، نامعقول است (قانع، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴).

در پاسخ باید گفت اولاً: اگر فرض بر این باشد که کتب ضاله اقتضای گمراه کردن دارد، نوشتن، پخش و حفظ آن، مردم را در معرض گمراهی قرار می‌دهد و نه تنها امروزه که در گذشته نیز اگر نوشته‌ای به دست بیش از یک شخص می‌افتاد، ضمانتی برای انتشار آن وجود نداشت؛ بگونه‌ای که ضرب‌المثل «کل قول جاوز الإثنین شاع» در همین مفهوم ساخته شده است تا چه رسد به عصر کنونی که به عصر اطلاعات شهرت یافته است و از راه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، توانایی انتشار در دایره جهانی امکان‌پذیر شده است. بدیهی است شناخت ظرفیت‌های فضای مجازی و در دسترس همه‌بودن محتویات آن، بدین معنا رهنمون می‌شود که زیان گمراهی تنها با تلاش برای رفع شبهه یا عدم رجوع از میان نمی‌رود. ثانیاً: در اینکه عقل در دفع ضرر محتمل، ساده‌ترین راه را انتخاب می‌کند، تردیدی نیست؛ وانگهی جلوگیری از انتشار و اتلاف محتوای گمراه‌کننده به مراتب ساده‌تر از آن است که درونمایه انتشار یابد و آنگاه به دنبال تک‌تک خوانندگان قرار گیرد تا رفع شبهه حاصل گردد. این استدلال مانند استدلال کسی است که بگوید چاه‌کندن در میان راه عمومی اشکالی ندارد و نباید چنین چاهی را پر کرد، بلکه افراد می‌توانند با کج کردن راه از سوی دیگر عبور کنند و یا جسم خود را آن اندازه نیرومند سازند که در صورت سقوط، آسیبی بر آنان وارد نشود (قانع، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴).

بنابراین، یکی از دلایل حرمت کتب ضاله، قاعده وجوب دفع ضرر احتمالی است؛ هرچند در آثار متقدمان، از عنوان «کتب ضلال» استفاده شده است؛ وانگهی کتاب در این زمینه موضوعیت ندارد و راهی برای اضلال، اضرار و افساد است. این برداشت از سوی فقیهان پرشماری تأیید شده است (خویی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۴).

با توجه به برخی از ویژگی‌های فضای مجازی، احتمال ضرر ایجادشده در آن، قابل قیاس با احتمال ضرر در فضای حقیقی و خارجی نیست؛ از جمله تفاوت‌های بنیادین ضررهای محتمل در این دو فضا که به دلیل عقلی دفع آنها واجب است.

از این رو، دفع ضرر احتمالی اخروی و دنیوی در فضای مجازی که از طریق پالایش آن انجام می‌شود، با قیاس اولویت ثابت می‌شود.

یکی از دلایل حرمت کتب ضاله، دفع ضرر احتمالی است. وانگهی با تبدیل شدن کتب ضاله آنالوگ به کتب ضاله دیجیتال و درک این مطلب که محتوا در فضای مجازی، افزون بر سیالیت، تشدید واقعیت و چندرسانه‌ای بودن با حافظه طولانی مدت است، تردیدی در حصول ضرر باقی نمی‌گذارد و به مجرد بارگزاری محتوای آسیب‌زا، آسیب محقق است و باید از طریق پالایش، آسیب و ضرر را از میان برداشت.

یکی دیگر از مواردی که اگر گفته نشود، قطعیت ضرر و آسیب‌های آن در فضای مجازی محرز است یا دست کم احتمال ضرر آن بسیار قوی است، بازی‌های رایانه‌ای برخط است. امروزه دیگر نمی‌توان به بازی‌های رایانه‌ای به دید یک سرگرمی صرف نگاه کرد، بلکه این بازی‌ها به ابزاری مسحورکننده دگرگون شده‌اند که قادرند به سرعت قواعد خود را بر مخاطب تحمیل کنند (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

یکی از جنبه‌های منفی بازی‌های رایانه‌ای، اشاعه خشونت است. بازی‌های رایانه‌ای موجب انگیزش افراد برای بکارگیری راه‌های خشونت‌آمیز برای مشکلات واقعی می‌شوند. شمار بسیاری از کاربران اینگونه بازی‌ها، از تجربیات دنیای مجازی در زندگی واقعی استفاده می‌کنند. با توجه به ویژگی تعاملی بودن بازی‌های رایانه‌ای، خشونت موجود در این بازی‌ها نیز تعاملی است و فرد بگونه عمیقی درگیر بازی می‌شود. این درگیری بیش از حد، کنترل فرد را با چالش مواجه می‌سازد.

در برخی از بازی‌ها، بصورت غیر قابل باوری، استفاده از خشونت‌آمیزترین وسایل کشتار، به تصویر کشیده شده است.

در کنار این عادی‌سازی صحنه‌های خشونت‌بار، ترس‌هایی در ذهن و رؤیای فرد، بویژه کودکان کم سن و سال شکل می‌گیرد که مدت‌ها با وی همراه خواهد بود. این ترس‌ها ریشه‌های کابوس‌های شبانه و حتی ترس‌هایی در آینده می‌شود که می‌تواند فرد را مستعد بیماری‌های روانی دیگری هم بکند. این پرخاشگری‌ها، سبب افزایش بدبینی و بگونه‌ای انزواطلبی می‌شود (حسینی، ۱۳۹۰، ش ۳۶، ص ۴۳). پژوهش‌ها نشان داده است که بازی‌های رایانه‌ای می‌توانند بطور غیر مستقیم در بزهدکاری کودکان و نوجوانان مؤثر باشند. این امر ممکن است به سبب محتوای بازی‌ها باشد که باعث می‌شود آنها با شیوه‌های گوناگون خشونت، کشتارهای گروهی، استفاده از سلاح‌های مختلف و ایفای نقش‌های گوناگون در طی انجام بازی‌های رایانه‌ای آشنا شوند (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).
نگاهی به چند رسانه به‌هم‌پیوسته؛ یعنی سینما، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای، این باور را متبادر می‌کند که گسترش فرهنگ خشونت، مطلوب گروهی از بازیگردانان اصلی این رسانه‌های نافذ و تأثیرگذار است.

در این بازی‌ها، کاربر نمی‌فهمد در لباس و زیر پرچم کدام کشور مشغول خدمت است، شخص یا کشور مورد تهاجمش چه کسانی هستند، آیا تروریست‌های درون بازی با تروریست‌های جهان واقعی قابل انطباق‌اند؟ طراحان بازی، پاسخ همه این سؤالات را به نفع سرویس‌های اطلاعاتی صهیونیسم بین‌الملل و استکبار جهانی بر فضای بازی تحمیل کرده‌اند و کاربر در این باره بی‌اختیار است (موسوی، ۱۳۹۰، ش ۱۴، ص ۱۰۸-۷۹).

با توجه به آنچه گذشت، دست کم، احتمال چنین آسیب‌ها و ضررهایی در فضای مجازی وجود دارد و حکومت اسلامی برای صیانت از شهروندان، بر اساس قاعده دفع ضرر محتمل، وظیفه دارد بر پالایش چنین محیط‌هایی در فضای مجازی اقدام کند؛ چنانکه بر اساس اصل ۳ قانون اساسی، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد از تکالیف دولت جمهوری اسلامی

ایران بر شمرده شده است. بدیهی است، اطلاق لفظ محیط در این اصل، محیط نوظهور، اما واقعی فضای مجازی را در بر می‌گیرد.

قاعده فقهی «نفی سبیل»

این قاعده از قواعد مهم فقه اسلامی است که در باب معاملات بویژه در سیاست و اقتصادیات و نیز در تمامی روابط میان جامعه اسلامی و جوامع غیر مسلمان و نیز در روابط فردی مسلمانان با کافران بصورت یک قانون کلی حاکم است. بسیاری از روابط و مناسبات جهان اسلام و جهان کفر، در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی تحت تأثیر این قاعده قرار می‌گیرد و با قاطعیت می‌توان گفت که این قاعده در روابط خارجی اسلام و مسلمانان، حق و تو دارد. بر اساس قاعده، در اسلام هر موضوعی که به چیرگی کافران بر مسلمانان بینجامد، منتفی است (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

تطبیق قاعده فقهی «نفی سبیل» بر «پالایش فضای مجازی»

«نفی سبیل» در قانونگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ویژه دارد و قانون‌گذاران، هرگونه «سبیل» و چیرگی بیگانگان را بر نظام جمهوری اسلامی ایران سد کرده‌اند (اصل ۱۵۲ قانون اساسی). چنانکه فقیهان نیز، نه تنها، فتوا به حرمت وضعی و تکلیفی «سبیل»، بلکه حتی اقداماتی را هم که مسلمانان را در معرض «سبیل» قرار می‌دهد یا خطر «سبیل» را در پی دارد، ممنوع دانسته‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶). مفهوم «سبیل» با آن‌که مفهومی ایستا و ثابت است؛ وانگهی در تحقق و عینیت‌یافتن و مصادیق، متغیر و تابع شرایط زمان و مکان است. این مفهوم به اقتضای پیچیده‌بودنش، به شدت متأثر از شرایط و ظرفیت‌ها است. فضای مجازی به‌راستی، امتداد زندگی انسان بر بستر فن‌آوری رایانه است. در سپهر این فضا، اجتماع و فرهنگ نوین انسانی در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته و چهره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی زندگی اجتماعی بشر را سخت تحت تأثیر قرار داده و منجر به پیدایش «واقعیت مجازی» در کنار «واقعیت فیزیکی» شده است.

قاعده نفی سبیل از شالوده‌های فقهی اسلام است و بسان روحی در کالبد قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران تابان است. از ذکر آنچه در تبیین مفاد قاعده نفی سبیل و تطبیقاتی که فقیهان در مصادیق آن انجام داده‌اند، بر می‌آید، فضای مجازی موجود، با توجه به چیرگی و سلطه بیگانگان بر آن، فضای مجازی مطلوب نیست. با توجه به آن‌که ساحت جدید زندگی بشر در بستر فن‌آوری فضای مجازی سامان یافته است و نظر به حاکمیت ساختاری و محتوایی بیگانگان بر آن و با توجه به اینکه امروزه تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و جز آنها با فن‌آوری فضای مجازی درهم‌تنیده شده است.

فقیهان در مواردی فتوا به حرمت هرگونه سبیل و سلطه کافران داده‌اند. لذا باید «سبیل» در فضای مجازی موجود را با «سبیل» در فضای حقیقی و خارجی محرز دانست.

ژرف‌اندیشی در فلسفه فکری سازندگان اینترنت حاکی از آن است که این فن‌آوری با بسترهای موجود، دارای فلسفه لیبرالیستی غربی است که در بُعد انواع ارتباطات نمایان گشته است. بایسته است، پیوندهایی که در ارتباطات مجازی کشور جریان دارد، بر پایه فرهنگ ایران اسلامی سامان یابد (انتظاری، ۱۳۹۳).

از دیگر سو، فضای سایبر دارای خاستگاه فلسفه و کارکردی است که نیازمند تبیینی ژرف‌نگر بر اساس مبانی تئوریک غرب و فلسفه حاکم بر تمدن غرب است؛ این فلسفه تعارض بنیادین با مبانی اسلامی و اصالت آخرت دارد و بن‌مایه‌های اندیشه متضادی را با بن‌مایه‌های اندیشه اسلامی به همراه دارد. این ابزار، فرهنگ و گونه‌نگرش خود به طبیعت و جهان هستی و فرجام انسان‌بودن را با خود به جوامع بیگانه از این فرهنگ آورده است و تهاجمی خاموش را سامان داده است (کیان خواه و علوی وفا، ۱۳۹۱، ص ۲). فضای مجازی موجود که اینترنت محور است را باید در پیکر فضای مصنوعات غرب در روزگار مدرنیته دید؛ دورانی که به گزارش «مارتین هایدگر»، با این حقیقت تعریف شده است که انسان کانون ارزش‌ها است. جوهر اومانیسیم، استیلاجویی خودبنیادانه و نفسانیت‌مدار است و انسان را رها از روح ملکوتی‌اش، حیوانی هوشمند می‌انگارد که توانایی چیرگی بر جهان مادی را دارد. تکنولوژی مدرن، ابزار نیست، بلکه

خود تجسم و صورت متجسد اندیشه خودبنیادانگاری نفسانی است (زرشناس، ۱۳۸۷، ص ۴۱ و ۵۲).

از شاخصه‌های فضای مجازی موجود فضای مجازی که امتداد فرهنگ و اجتماع انسانی در شبکه‌های اطلاعاتی در بستر فن‌آوری اطلاعات است، گمنامی و بی‌هویتی کاربران است که یکی از گزندهای آن، از میان بردن تعهد و مسؤولیت‌پذیری است. انسان در این فضای مجازی به کاربری تنزل می‌یابد که نه هویتی دارد و نه تعهدی. این بی‌هویتی و بی‌تعهدی ره‌آورد ابزار مدرنی است که بر پایه باورهای مدرنیسم طراحی گشته است.

پیدایش اینترنت بصورت مستقیم به هژمونی و سلطه آمریکا از بستر وزارت دفاع این کشور بازمی‌گردد و تأثیرات این اصل و نژاد در ساختار و محتوای فضای مجازی اینترنت محور ملاحظه می‌شود (دیوید، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹). برخی پیکره‌های فضای مجازی موجود مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی چون فیس‌بوک، توئیتر، گوگل پلاس و غیره که فضای مجازی را به خود اختصاص داده‌اند، با ارزش‌های لیبرالیستی غربی، سامان یافته‌اند، ارزش‌های اجتماعی را متحول ساخته و دگرگونی گسترده‌ای را در شیوه‌های شکل‌گیری هویت دینی افراد و گروه‌ها پدید آورده‌اند. دست‌آوردهای پژوهش‌های پیمایشی حاکی از آن است که میان مدت‌زمان عضویت، میزان بکارگیری و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از برخی از شبکه‌های اجتماعی مجازی موجود، رابطه معنادار معکوس است؛ چنانکه میان واقعی تلقی کردن محتوای این ساحت‌های فضای مجازی و هویت دینی کاربران، رابطه معنادار هماهنگی وجود دارد؛ یعنی هرچه زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از این شبکه‌ها افزایش می‌یابد، از برجستگی هویت دینی نزد آنها کاسته می‌شود. یافته‌های میدانی پژوهش‌ها، فلسفه لیبرالیستی فضای مجازی موجود را نمایان می‌سازد (قاسمی، عدلی پور و کیان پور، ۱۳۹۱، ش ۴۲، ص ۳۶-۳۵).

برخی از اندیشمندان غربی گفته‌اند: «جنگ‌هایی که در آینده رخ خواهد داد، بوسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهد بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصوراتی

رخ خواهد داد که رسانه‌های گروهی به مردم القا می‌کنند» (لوهان و مارشال، ۱۳۷۷، ص ۴۰). از این رو، تکلیف حکومت دینی، افزون بر بهره‌مندی از فرصت‌های ارزشمند فضای مجازی، پالایش آن از آسیب‌ها و هم‌آوردی با حکمرانی محتوایی و درون‌مایه‌ای ارزش‌های لیبرالیستی است.

قاعده فقهی «وفای به عقود»

به موجب آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده(۵): ۱)، وفای به عقد به معنای لزوم اجرای پیمان و عدم جواز فسخ آن از سوی طرف‌های قرارداد است و به همین دلیل، این قاعده قاعده لزوم نیز نامیده شده است؛ چنانکه به مناسبت روایاتی که در آنها مضمون «المؤمنون عند شروطهم» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۵۳) آمده است، از آن به قاعده شرط یا قاعده «المؤمنون عند شروطهم» نیز یاد می‌شود. گرچه این جمله یک جمله خبری است، اما در حقیقت انشای حکم است؛ چون منظور از جمله خبری در مقام انشا، اعلام نیست، بلکه بعث است؛ زیرا جمله خبری از وقوع مطلوب در مقام طلب خبر می‌دهد؛ گویا گوینده جمله جز به وقوع مدلول آن راضی نیست (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۵).

تطبیق قاعده فقهی «وفای به عقود» بر «پالایش فضای مجازی»

امروزه آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات، دو حق شناخته‌شده و پیوسته به هم هستند؛ زیرا تحقق آزادی بیان در گرو دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات از جمله اطلاعات داد و ستد شده از طریق وبگاه است.

این دو حق، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی از اصول پذیرفته‌شده جهان امروز است که اسناد معتبر بین‌المللی از نظر حقوقی آن را مستند ساخته‌اند.

از اسناد معتبر حقوقی و بین‌المللی بر می‌آید که اخلاق عمومی، حفظ حریم خصوصی، جلوگیری از ترغیب به ارتکاب جرائم بین‌المللی، جلوگیری از گسترش محتوای مخرب شخصیت کودکان و حفظ امنیت ملی، یکی از چارچوب‌های پالایش محتوای فضای مجازی در اسناد بین‌المللی است. با توجه به گستردگی فضای مجازی

و درهم تنیده شدن آن با چهره‌های گوناگون زندگی بشر، می‌توان دایره پالایش را بر اساس دیگر معاهدات فرامرزی گسترش داد؛ بدیهی است بر اساس قاعده فقهی وفای به پیمان‌ها در چارچوب شرع، التزام به معاهدات بین‌المللی لازم است و دولت جمهوری اسلامی مکلف است، بر اساس این معاهدات، به پالایش فضای مجازی اقدام کند. فارغ از گفتگوهایی که در مورد تفسیر اخلاق عمومی، حریم خصوصی، اقتضانات جامعه دموکراتیک و دیگر مواردی که میان حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی وجود دارد، با توجه به آنکه نتیجه تابع اخس مقدمات است، دست کم می‌توان در مصادیق اشتراکی، دولت جمهوری اسلامی را مکلف به پالایش فضای مجازی در آن زمینه‌ها انگاشت.

نتیجه‌گیری

فضای مجازی که همه پهنه‌های زندگی انسان را در نوردیده و آنها را سایبری یا مجازی کرده است، این فضا، گونه‌ای از پیوندهای نوین میان انسانها با یکدیگر و با اشیا و اشیا با یکدیگر را پدید آورده است.

یکی از پرسمان‌هایی که این فضای نوین، به ارمغان آورده است، پرسمان پالایش فضای مجازی است که از دیدگاه عرف عمومی و عرف خصوصی حقوقی، به معنای ایجاد محدودیت و چارچوب در پیوندها و ارتباطات این فضا است که وابستگی تنگاتنگی با موضوع آزادی اطلاعات و ارتباطات در جستارهای دانش حقوق عمومی دارد.

هرچند گروهی فضای مجازی را پهنه‌ای آرمانی برای تحقق آزادی بیان و به تبع آن، آزادی ارتباطات و اطلاعات می‌انگارند و هیچگونه پالایشی را در این فضا بر نمی‌تابند، وانگهی همواره انواع گوناگون دولت‌ها بر پایه نوع نظام حقوقی خود که بر اساس آن، صلاحیت حکمرانی پیدا کرده‌اند، به پالایش این فضای بی‌کران اقدام کرده و می‌کنند.

از آنجا که شالوده نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر پایه دین اسلام و شریعت ناب جعفری 7 است، چارچوب پالایش فضای مجازی و محدودیت در آزادی

ارتباطات و اطلاعات باید بر اساس آن سامان یابد و رویکرد مواجهه پویا و خردمندانه در این مسیر تبیین گردد. در این راستا قواعد گوناگون فقهی که بسان شالوده‌های دانش فقه هستند، دلالت بر تکلیف دولت جمهوری اسلامی در پالایش این فضا دارد. این قواعد، عبارتند از: قاعده فقهی لاضرر، قاعده فقهی حرمة الاعانة على الإثم، قاعده فقهی وجوب دفع ضرر محتمل، قاعده فقهی حفظ نظام، قاعده فقهی اوفوا بالعقود (ناظر به قراردادهای بین المللی) و قاعده فقهی نفی سبیل.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم، کفایة الاصول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۳. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، ج ۲، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲۱، ۱۴۲۵ق.
۴. انتظاری، محمد حسن، مصاحبه دبیر شورای عالی فضای مجازی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، دسترسی در: www.majazi.ir.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب المحرمة، ج ۱، قم: لجنة تحقیق تراثنا الشیخ الاعظم، ۱۴۱۵ق.
۶. بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهی، ج ۲، تهران: مؤسسه عروج، چ ۳، ۱۴۰۱ق.
۷. جلالی فراهانی، امیر حسین، «پیشگیری از جرائم رایانه‌ای»، مجله حقوق دادگستری، ش ۴۷، تابستان ۱۳۸۳.
۸. جمعی از نویسندگان، حقیقت مجازی، تهران: مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳۹۵.
۹. جمعی از نویسندگان، درسنامه فلسفه حقوق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، پیام همایش علمی فضای مجازی پاک بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسرا، مدیریت آرشیو اسناد و منابع، واحد تایپ، ۱۳۹۳/۱۱/۲۶.
۱۱. حاجی ملامیرزایی، حامد، «تدوین الگوی خط مشی گذاری فضای مجازی کشور، ارائه مدل مفهومی و اعتباربخشی آن»، رساله دکتری، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، مهرماه ۱۳۸۳.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۲، قم: طبع اسلامی، بی تا.

۱۳. حسینی، سید داود، «بازی‌های رایانه‌ای؛ نگاهی به ویژگی‌ها، بایدها و نبایدها»، فصلنامه ره‌آورد نور، ش ۳۶، پاییز ۱۳۹۰.
۱۴. خامنه‌ای، علی، سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۴، در سایت: www.khamenei.ir.
۱۵. خوانساری، موسی، منیة الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات نائینی، تهران: المکتبه المحمدیه، ۱۳۷۳.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم، أجود التقریرات، (تقریرات درس آیة‌الله محمدحسین نائینی)، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دینی، ۱۴۱۹ق.
۱۷. دیوید، بل، درآمدی بر فرهنگ سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین قمی، تهران: انتشارات جامعه شناسان، ۱۳۸۹.
۱۸. زرشناس، شهریار، مبانی نظری غرب مدرن، تهران: انتشارات صبح، ۱۳۸۷.
۱۹. شمس‌الدین، محمد مهدی، نظام الحكم و الادارة فی الاسلام، قم: دارالتقافة للطباعة و النشر، چ ۳، ۱۴۱۲ق.
۲۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی، چ ۳، ۱۴۱۶ق.
۲۱. عاملی، سید سعیدرضا، رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرائم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۰.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱، ۳ و ۸، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۴، ۱۴۲۱ق.
۲۳. -----، قواعد فقه بخش حقوق عمومی، تهران: انتشارات سمت، چ ۳، ۱۳۹۰.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، ج ۱، قم: مرکز فقه الائمة الاطهار، چ ۴، ۱۴۳۴ق.
۲۵. -----، استفتا، دسترسی در: <http://www.rahebehesht.org>.
۲۶. فیروزآبادی، مجد الدین، القاموس المحيط، ج ۳، بیروت: دارالعلم للجَمیع، بی‌تا.
۲۷. قاسمی، وحید، عدلی پور، صمد، کیان پور، مسعود، «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، سال نوزدهم، ش ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲۸. قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۴.
۲۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۲ و ۳، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۱، ۱۳۸۳.

۳۱. کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی، **تحریر المجلة**، ج ۱، نجف اشرف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۹ق.
۳۲. کعبی نسب، عباس، **تحلیل مبانی اصل هشتم قانون اساسی**، گزارش پژوهشی، تحقیق و تنقیح: مهدی رجایی، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۵۱، ۱۳۹۴/۰۹/۲۹.
۳۳. -----، **سلسله نشست های فقه حکومتی**، گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ؛ ۹۲/۱/۲۱: node: qabas.iki.ac.ir
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۵. کیان خواه، احسان و علوی وفا، سعید، **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی دفاع سایبری**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چ ۲، ۱۳۹۱.
۳۶. لوهان، مک، مارشال، هربرت، **برای درک رسانه ها**، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، ج ۲، ۳، ۳۲، ۷۲ و ۱۰۹، بیروت: دار احیاء التراث، چ ۳، ۱۴۰۳ق.
۳۸. محقق داماد، سید مصطفی، **قواعد فقه**، ج ۲ و ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۲، ۱۴۰۶ق.
۳۹. مرادی، غفور، «چالش ها و الزامات اخلاقی فراروی تولیدکنندگان و توزیع کنندگان بازی های رایانه ای با توجه به آموزه های اسلامی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، جامعه المصطفی العالمیه، دی ماه ۱۳۹۴.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، **دائرة المعارف فقه مقارن**، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب ۷، ۴۲۷ق.
۴۱. ملک افضل، محسن، «آثار قاعده حفظ نظام»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، سال ۱۵، ش ۵۸، تابستان ۱۳۸۹.
۴۲. موسوی بجنوردی، سید حسن، **القواعد الفقهية**، ج ۱، ۵، ۷، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
۴۳. موسوی، سید ابوالفضل، «بازی های رایانه ای از منظر اخلاق کاربردی با رویکرد اسلامی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه اخلاق**، ش ۱۴، زمستان ۱۳۹۰.
۴۴. نائینی، محمدحسین، **تنبيه الامه و تنزيه الملة**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۴ق.
۴۵. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، تحقیق شیخ عباس قوچانی، ج ۲۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ۱۹۸۱م.
۴۶. ندوی، علی احمد، **موسوعة القواعد الضوابط الفقهية**، ج ۱، قاهره، دار عالم المعرفة، ۱۴۱۹ق.
۴۷. نراقی، احمد بن محمد، **مستند الشیعة**، ج ۴، قم: مؤسسه آل البيت : لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.